

## موقعیت و حقوق زنان در دوره ایلخانان (مطالعه موردی تأثیر اصلاحات غازان خان)

سمانه نجارزاده\*

ذکرالله محمدی\*\*

### چکیده

دوران مغول از جهات گوناگون یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی ایران به حساب می‌آید. دوران تقابل دو فرهنگ مغولی - ترکی (ایللیاتی) و فرهنگ ایرانی (شهرنشینی) که اقشار مختلف ایران با فرهنگ جدیدی آشنا می‌شوند که کاملاً با فرهنگ ایرانی و شهرنشینی تفاوت‌های بنیادین دارد. در فرهنگ قوم مهاجم برخلاف قوم مغلوب، زنان در همه حوزه‌ها از جایگاه والایی برخوردار بودند. اما با گذشت زمان و مستحیل شدن مغولان در فرهنگ ایرانی، ما رفته‌رفته شاهد افول ویژگی‌های مذکور می‌شویم. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی در تحول مقوله مذکور مؤثر بوده است؟ فرض پژوهش حاضر بر این است که به‌رغم تأثیرات عوامل گوناگون، عامل اصلی را باید در دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نهفته در اصلاحات غازان خان در خصوص زنان جستجو کرد. دستاورد پژوهش حاضر نیز چنین مقوله‌ای را به اثبات می‌رساند. روش پژوهش حاضر روشی توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع و متون اصلی و کتابخانه‌ای بوده است.

### واژگان کلیدی

مغولان، ایلخانان، زنان، اصلاحات غازان خان، اقتصاد، سیاست، دین.

s.najjarzadeh65@gmail.com

ze.mohammadi@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۴

\*. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه الزهراء (ع). (نویسنده مسئول)

\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۸

### طرح مسئله

مغولان مردمانی کوچ‌نشین و صحراگرد بودند. شیوه زندگی آنها از جوامع هم‌جوار متمدن متفاوت بود، به همین دلیل نیز فرهنگ متفاوتی با ملت‌های دیگر داشتند. در فرهنگ مغولان و اقوام نزدیک به فرهنگ آنها یعنی ترکان، زنان از جایگاه والایی برخوردار بودند به طوری که زنان آنها نه تنها از حقوق یکسانی با مردان بلکه حتی گاهی بالاتر از آنها برخوردار بودند. با ورود مغولان به سرزمین ایران روبه‌روی فرهنگی قرار گرفتند که به طور کلی با زن‌سالاری در تضاد بود. مغولان از جمله مردمانی بودند که بدون آشنایی با مملکت داری و دیوان‌سالاری به سرزمین‌های وسیعی دست یافتند و در این راه نیازمند همکاری اقوام مغلوب بودند، از این جهت با تسامح دینی که داشتند به زودی در فرهنگ‌های اقوام مغلوب مستحیل شدند. تسامح مذکور آنها را تحت‌تأثیر فرهنگ ایرانی و سیاست‌مداری وزرا و دیوان‌سالاری ایرانی قرار داد. اوج این رخداد در زمان غازان‌خان بود که به طور کلی رابطه ایلخانان با مرکز مغولان قطع شد و در این راستا اصلاحاتی انجام گرفت که بخشی از آن در مورد زنان بود. مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این دو سوال اصلی و برخی سوالات فرعی است:

۱. آبشخور و مبانی اصلاحات غازان‌خان در خصوص مسائل زنان، فرهنگ ایرانی بوده یا فرهنگ اسلامی و یا هر دو؟
۲. اصلاحات غازان‌خان در مسائل زنان چه نتایج یا تأثیرات مثبت و منفی در جایگاه زنان آن عصر به‌دنبال داشته است؟

### پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق حاضر باید گفت، هرچند تحقیقات نه چندان گسترده اما قابل توجهی در این زمینه‌ها صورت گرفته است اما هیچ‌کدام از آنها موضوع مقاله حاضر را بالاستقلال و به تفصیل و نیز به صورت عمیق و دقیق مطرح ننموده‌اند. برخی از تحقیقات مذکور که در قالب کتاب یا مقاله به چاپ رسیده‌اند عبارتند از: کتاب *زن در ایران عصر مغول* تألیف خانم شیرین بیانی. با اینکه این کتاب اطلاعات مفیدی از اوضاع اجتماعی زنان در دوران مغول به دست می‌دهد اما اطلاعات آن اولاً کلی است، یعنی بیشتر مربوط به کل دوره مغول و ایلخانان و همه مسائل مربوط به زنان آن دوره است و ثانیاً اطلاعات آن درباره موضوع مقاله حاضر بسیار محدود است. در ضمن تفاوت کار مقاله حاضر با این اثر در این است که پژوهش حاضر ضمن پرداختن به تفصیل و عمیق و دقیق به اصلاحات غازان در مورد زنان به ریشه‌ها، زمینه‌ها، نتایج مثبت و منفی آن نیز توجه ویژه داشته است. همچنین مقاله خانم الهام ملک زاده با عنوان

«وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مغول و ایلخانی»<sup>۱</sup> نیز وضعیت زنان این دوره را از منظر کلی بررسی نموده است. تحقیق دیگر پایان نامه کارشناسی ارشد خانم زینب محمدپور تحت عنوان **تأثیر متقابل جوامع ایرانی و مغولی بر وضعیت زنان در ایران عصر مغول**<sup>۲</sup> به راهنمایی آقای مهدی فرهانی منفرد است. پایان نامه مذکور حداقل به چند جهت با مقاله حاضر متفاوت به نظر می‌رسد، نخست اینکه به همه دوران مغول می‌پردازد، دوم اینکه از تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی مغولان بر زندگی زنان ایرانی سخن می‌گوید، سوم اینکه اصلاحات غازان خان را به طور کلی مطرح می‌نماید؛ در حالی که در مقاله حاضر اولاً به تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و دینی ایران بر زندگی خاتون‌های مغولی پرداخته می‌شود و ثانیاً نقش اصلاحات غازان خان در خصوص زنان که در واقع متغیر اصلی مقاله نیز به حساب می‌آید، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. همچنین از مقاله دیگری با عنوان «بررسی و مطالعه جایگاه زنان و خاتون‌ها در عصر مغول با استناد به شواهد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی»<sup>۳</sup> می‌توان نام برد که توسط آقای یداله حیدری بابا کمال و دیگران نوشته شده است. این مقاله نیز بیشتر به بررسی جایگاه زنان براساس داده‌های باستان‌شناسی و شواهد تاریخی دوران حکومت ترکان و مغولان در ایران پرداخته است و تفاوت اساسی با موضوع مقاله حاضر دارد. از جمله مقالات دیگری که به لحاظ موضوعی اندک شباهتی با مقاله حاضر دارد، مقاله «جلوه‌های اسلامی در اصلاحات غازان»<sup>۴</sup> تألیف بهادر قییم و زینب معرفیون است. تفاوت مقاله مذکور با مقاله حاضر در این است که در آنجا همه تجلیات اسلامی در اصلاحات غازان مطمح نظر و تحلیل نویسندگان محترم بوده است، به عبارت دیگر برعکس مقاله حاضر که مقوله زنان در اصلاحات غازان را اصل قرار داده در آنجا به صورت فرع دیده شده است.

## زنان در جامعه ایرانی

برای شناخت و درک زوایای پیدا و پنهان یک دوره تاریخی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، یکی از بهترین راه‌ها، شناخت اندیشه‌ها و دیدگاه‌های افراد تأثیرگذار آن دوره

۱. ملک‌زاده، الهام، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مغول و ایلخانی، مسکویه، پ ش ۴، ص ۲۰۷ تا ۱۶۷، پاییز ۱۳۸۵.

۲. محمدپور، زینب، **تأثیر متقابل جوامع ایرانی و مغولی بر وضعیت زنان در ایران عصر مغول**، تهران، دانشگاه الزهراء، مرداد ۱۳۸۹.

۳. یداله حیدری بابا کمال و دیگران، «بررسی و مطالعه جایگاه زنان و خاتون‌ها در عصر مغول با استناد به شواهد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی»، **زن در فرهنگ و هنر**، دوره ۴، ش ۴، ص ۳۹ تا ۵۹، زمستان ۱۳۹۱.

۴. بهادر قییم و زینب معرفیون، «جلوه‌های اسلامی در اصلاحات غازانی»، **رهیافت تاریخی**، دانشگاه اصفهان، س چهارم، ش ۱۳، ص ۵۴، زمستان ۱۳۹۴.

است، چراکه نگاه‌ها یا تصمیمات این‌گونه افراد در نوع رفتار، پندار و گفتار اعضای آن جامعه و دوره نیز بسیار مؤثر بوده است. اینکه در سرزمین ایران و در طول تاریخ آن، اندیشمندان چه نگاهی و دولتمردان چه تصمیماتی در خصوص زنان و جایگاه اجتماعی و سیاسی این قشر داشته‌اند و یا چه عواملی در آن زمینه‌ها مؤثر بوده‌اند از جمله مباحثی است که در اینجا به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

در ایران باستان زنان از جایگاه نسبتاً بالایی برخوردار بودند. در منابع تاریخی این دوران از زنان با احترام یاد می‌شود و به جز مواردی که متأثر از آثار زروانیه است<sup>۱</sup> در بقیه موارد زنان هم‌شأن مردان در بسیاری از امور دخالت داده می‌شدند. در اوستا جایگاه زنان برابر با مردان بوده است: «ستایش به جای می‌آورم اشون مردان و اشون زنان که ردای اشونی‌اند»<sup>۲</sup>. همچنین در ارداویرافنامه چنین می‌آید: «من دیدم روان زنان بسیار نیک‌اندیش بسیار نیک گفتار بسیار نیکو کردار را که شوی به سر آرند»<sup>۳</sup>.

در عرصه سیاسی هم زنان در دوران باستان به مقامات بالای سیاسی و مذهبی می‌رسیدند. به گفته هرودوت در ایران باستان «زنان در کنار شوهران خود در مسائل سیاسی نقش آفرینی می‌کردند»<sup>۴</sup>. در دوره ساسانیان جدای از دختران خسرو پرویز که به‌طور رسمی پادشاه کشور شدند<sup>۵</sup> زنان بعد از فوت شوهرانشان و کودک بودن فرزند ذکورشان به حکومت می‌رسیدند نظیر مادر شاهپور دوم و همسر شاهپور یکم.<sup>۶</sup>

یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخی در ادوار گذشته که تغییرات زیربنایی و تعیین‌کننده‌ای در ایران داشته است ورود اعراب به ایران است. ورود اسلام به ایران تمام زوایای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داد. جایگاه زنان نیز در این دوران از این قاعده مستثنی نبوده است. اما نباید از این نکته نیز غافل بود که نگاه اسلام به زنان در همه جوامع تحت اداره حکومت‌های اسلامی، برگرفته از دستورات و قوانین خود اسلام نبود بلکه آمیخته و تلفیقی از آداب، رسوم و فرهنگ آن مناطق نیز به حساب می‌آمد.

در خصوص اینکه دین اسلام و پیامبر ﷺ چه نگاهی به زنان داشته‌اند، باتوجه به شواهد بسیار زیاد از حضور زنان در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در صدر اسلام و عدم وجود مدرک متقنی مبنی بر تلاش پیامبر ﷺ بر محدودسازی زنان و یا عدم حضور آنها در جامعه، می‌توان گفت که نگاه

۱. رضی، *زروان در قلمرو دین و اساطیر*، ص ۴۶.

۲. *اوستا*، یسنه، هات ۱۳۸۵، هات ۱۶ ص ۱۶۷.

۳. ژینیو، فیلیپ، *ارداویرافنامه*، ص ۱۵۱.

۴. هرودوت، *تاریخ هرودوت*، ص ۲۵۵.

۵. سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۳۵۶.

۶. طبری، *تاریخ طبری*، ص ۴۶۷.

اسلام و رسول الله ﷺ نسبت به زنان مثبت بوده است، به طوری که زنان در جنگ‌ها به همراه مردان شرکت می‌کردند و به اندازه آنها از غنائم بهره می‌بردند. حضور زنان در جنگ قادسیه و مسئولیت دفن کشته‌شدگان<sup>۱</sup> و یا حضور سلمی دختر حفصه همسر مثنی بن حارثه در جنگ همراه شوهرش<sup>۲</sup> از جمله نمونه‌های بارز این مقوله است. همچنین موارد دیگری مثل حق بیعت، آموزش و طلب علم، حضور در مجامع و مساجد، جنگ، مشورت، امان و اموری دیگر از این نوع نیز نشان از نگاه مثبت دین اسلام و پیامبر اکرم به جایگاه آن قشر بوده است.<sup>۳</sup>

پس از ورود اسلام به ایران، به مرور زمان جایگاه زنان در یک مسیر قهقرایی و نزولی قرار می‌گیرد، به طوری که از یکسو با کم‌رنگ شدن حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مواجه می‌شویم و از سوی دیگر در آثار نویسندگان این دوران نیز چنین اندیشه‌ای متجلی می‌گردد. برای درک بهتر این امر و سیر نزولی موقعیت زن در اندیشه اندیشمندان می‌توان، موقعیت زن در آثار فارابی (۳۳۹ - ۲۵۹ ق) را با زن در آثار غزالی (۵۰۵ - ۴۵۰ ق) و یا پس از آن در آثار خواجه نصیرالدین طوسی (۶۵۳ - ۵۷۹ ق) و نیز رشیدالدین فضل الله همدانی (۷۱۸ - ۶۴۸ ق) مورد بررسی و مقایسه قرار داده و تفاوت‌های بنیادی و آشکار آن را ملاحظه نمود. در نگاه فارابی، یک انسان‌شناسی نسبتاً فارغ از جنسیت زن و مرد وجود دارد که این دو با هم می‌توانند مدینه فاضله را بسازند. او در همه آثارش از کلمات انسان، مردمان و ملت استفاده می‌کند که نگاه به انسان و فارغ از تقسیم‌بندی‌های زن و مرد دارد.<sup>۴</sup> اما با گذشت زمان و با مطالعه آثار برخی از نویسندگان این دوران و مشاهده عدم حضور زنان ایران در صحنه سیاسی و اجتماعی دوران مخصوصاً از قرون چهارم و پنجم هجری به بعد ما شاهد یک روح زن‌ستیزی افراطی هستیم. ریشه‌یابی اینکه چه عوامل و عللی در آن مقوله‌ها تأثیرگذار بوده‌اند به دلیل خارج بودن از محدوده پژوهش حاضر، فرصت و مجال دیگری می‌طلبد. همچنان که اشاره شد نگاه زن‌ستیزی بیشتر در آثار غزالی و پس از او در آثار نویسندگان دوره مغولی قابل مشاهده است. غزالی در *نصيحة الملوك* زن را عاری از یک موجود مستقل و اسیر مرد می‌داند که به خاطر خرد ناقصشان بر مرد واجب است که با آنها مدارا کند<sup>۵</sup> و در جایی دیگر زنان را بر ده گونه تقسیم می‌کند که هر گونه به مانند یک حیوان است و بهترین و

۱. همان، ص ۱۷۱۶.

۲. همان، ص ۱۷۱۵.

۳. نیره دلیر، «مشارکت اجتماعی زنان در سیره پیامبر و مقایسه آن با قرائت غزالی در احیاء علوم الدین»، *مطالعات تاریخ اسلام*،

ش ۱۹، ص ۶۷.

۴. فارابی، *احصاء العلوم*، ص ۱۰۹ - ۱۰۸.

۵. غزالی، *نصيحة الملوك*، ص ۱۵۷.

نجیب‌ترین زنان را زنانی می‌داند که مانند گوسفند است.<sup>۱</sup> در آثار خواجه نصیرالدین طوسی نیز زنان از جایگاه بهتری برخوردار نیستند. او در اخلاق ناصری می‌نویسد:

سه چیزی که از آن باید احتراز کرد: اول افراط در محبت به زن که مقتضای استیلاي اوست و سبب انتکاس. دوم آنکه در امور کلی با او مشورت نکند و بر اسرار خود او را مطلع نکند و مقدار مال خود و ذخایر غیر قوت از او پوشیده دارد. چه نقصان عقل، ایشان را بر مفسد باعث شود. سوم آن که زن را از ملامتی و نظر به اجانب و استماع حکایت مردان و صحبت با زنان که به این خصال موسوم باشند منع کند.<sup>۲</sup>

درواقع با مطالعه در اندیشه‌های دانشمندان ایرانی از فارابی تا خواجه نصیر، شاهد گسستی در بنیاد اخلاقی ایرانیان در ارتباط با زن هستیم.<sup>۳</sup> این گسست و نگاه جانبدارانه به زن پس از ورود ایرانیان به دستگاه حکومت مغولان در برخورد با زنان مغولی به‌ویژه خاتونان که رقیب اصلی آنها در برابر خان بودند، بسیار مؤثر واقع شد. این مبحث در قسمت بعدی به تفصیل مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

### زنان در جامعه مغولی

زنان در منابع تاریخی متقدم مغولی از احترام و جایگاه متفاوتی با زنان جوامع دیگر برخوردار بوده‌اند. تاریخ مغولان صرفاً یک تاریخ مردانه نیست که زنان در آن بی‌ثمر باشند بلکه از آنها با احترام یاد می‌شده است. از جمله مهم‌ترین منابع آن دوره **تاریخ سری مغولان** است که معمولاً در این کتاب به‌همراه معرفی و ذکر نام اشخاص و پدران آنها، حتماً مادر یا همسر آنان نیز نام برده می‌شود. بدون تردید قرار گرفتن نام زنان در کنار مردان نشان از موقعیت آنان در جامعه مورد نظر بوده است. داستان آلان قوا مادر همه مغولان که در کتاب مذکور ذکر گردیده، خود بیانگر موقعیت و جایگاه زنان مغولی در بین قبایل خویش بوده است.<sup>۴</sup> قبایل ترک نیز مانند مغولان برای زنان اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بوده‌اند و زنان و مردان تقریباً از حقوق مادی و معنوی مساوی برخوردار بودند. تا جایی که این بطوطه از جایگاه و احترامی که برای آنها قائل می‌شدند، تعجب می‌کند.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۲. طوسی، **اخلاق ناصری**، ص ۱۷۹.

۳. بخشی و دیگران، «جایگاه زن در نظام اجتماعی و خانواده از نگاه فارابی، ابن‌سینا و خواجه نصیر»، **حکمت سینوی**،

ش ۵۹، ص ۲۰.

۴. چاتو پی شه، **تاریخ سری مغولان**، ص ۲۰ - ۱۹.

۵. ابن‌بطوطه، **سفرنامه ابن‌بطوطه**، ص ۴۰۱.

جامعه ترکان و مغولان قبل از حملات گسترده به سرزمین‌های اطراف، یک جامعه قبیله‌ای و چادر نشین بودند. در این سیستم برخلاف زنان شهری که نقش چندانی در اقتصاد نداشتند، اهمیت وظایف زنان نه تنها کمتر از وظایف مردان نبود، گاهی مهم‌تر نیز بود. به اعتقاد برخی از محققان وظایف مهم زنان در قبیله نظیر: راندن ارابه‌ها، قرار دادن چادرهای متحرک بر روی ارابه‌ها و همچنین برداشتن آن، دوشیدن گاوها و درست کردن کره و قره‌اوت یا پنیر و دباغی پوست حیوانات و دوختن آنها با ریسمان، مالیدن نم و غیره، جایگاه بی‌بدیلی را در اقتصاد و یا در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی عشیره و قبیله برای آنها فراهم می‌نمود.<sup>۱</sup> به عبارتی می‌توان ادعا کرد اقتصاد عشیره در دست زنان قرار داشت و این امر که مردان به اقتضای شرایط همیشه سرگرم جنگ‌ها بودند، از نقش و جایگاه آنها فرو می‌کاست. در واقع همان‌طور که زنان در عشیره پیوسته در همه امور جاری آن از جمله خوراک، پوشاک، احشام و غیره در حال فعالیت بودند، مردان به‌دنبال جنگ و مبارزه بودند و همین امر جایگاه مهمی را برای زنان عشیره‌ای نسبت به زنان شهری برای آنها فراهم می‌کرد. دختران در نزد خانواده خود و در جامعه اهمیت و منزلت بسیاری داشتند و به موردی بر نمی‌خوریم که مغول از داشتن دختر ناراضی باشد یا بین فرزندان دختر و پسر خود تفاوتی قائل شده باشد. موقعیت زنان بیوه در جامعه قدیم مغول مانند موقعیت زنان به‌طور عموم بوده است<sup>۲</sup> و آزادی به مراتب بیشتری در مقایسه با زنان شهری داشتند.<sup>۳</sup>

پس از حملات چنگیزخان و تشکیل امپراطوری توسط وی، کماکان زنان هم‌پای مردان در سیاست نقش آفرینی می‌کردند. در واقع جایگاهی که زنان در اجتماع و اقتصاد عشیره‌ای مغولی داشتند، یک جایگاه سیاسی مهم را در حکومت مغولی برایشان به ارمغان آورده بود. خاتونان در این دوره پس از خان مغول به‌عنوان نایب او تا رسیدن شاهزاده و برگزاری یرلیغ حکومت را برعهده می‌گرفتند که نمونه بارز آن همسران خود چنگیز،<sup>۴</sup> کیوک و تولوی<sup>۵</sup> بوده است. به اعتقاد دیوید مورگان، اینکه بعد از هر دوره فترت، یک زن به حکومت می‌رسید، نشان‌دهنده جایگاه بالنسبه بلندی است که زنان در امپراتوری مغولان داشته‌اند.<sup>۶</sup> زنان در حکومت مغولان در لشکرکشی‌ها و جنگ‌ها، رؤسا را همراهی می‌کردند و در اغلب موارد مورد مشورت امپراطوران و شاهزادگان وارث تاج و تخت قرار می‌گرفتند.<sup>۷</sup> خیمه‌های همسران

۱. تسف، *نظام اجتماعی مغول*، ص ۹۴ - ۹۳.

۲. همان، ص ۹۳.

۳. لمبتن، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ص ۲۸۵.

۴. شبانکاره‌ای، *مجمع الانساب*، ص ۱۶۲.

۵. بناکتی، *تاریخ بناکتی*، ص ۴۰۰.

۶. مورگان، *مغولها*، ص ۵۰.

۷. تسف، *نظام اجتماعی مغول*، ص ۹۴.

فرمانروا پیوسته در نزدیکی مقر خان و با رنگ متفاوت از دیگر خیمه‌ها قرار داشت.<sup>۱</sup> هلاکو از جمله ایلخانانی بود که پیوسته در امور مختلف با همسرانش مشورت می‌نمود.<sup>۲</sup> رفتار خوب با مسیحیان در زمان او را می‌توان بیشتر نتیجه کوشش‌های دوقوز خاتون زن مسیحی‌اش دانست<sup>۳</sup> و البته مادرش سرقویتی بیگی.

همچنان که پیشتر نیز اشاره شد مغولان از جمله قبایلی بودند که پس از تصرف سرزمین‌های وسیعی نظیر جهان اسلام و ایران به دلیل داشتن زندگی عشیره‌ای و عدم آشنایی با شیوه حکومتداری از نوع شهری و کشوری مجبور شدند از حضور دیوان‌سالاران و نخبگان با تجربه آن مناطق در امر کشورداری بهره ببرند. در ایران نیز با نزدیک‌تر شدن سلاطین ایلخانی به بزرگان ایرانی به تدریج از سرزمین و فرهنگ و حتی دین خود دوری گزیدند. بالطبع این امر قدرت مضاعفی را برای سیاست‌مداران، وزرا و نخبگان ایرانی فراهم نمود. فرصت مغتنمی که بعد از شش قرن بعد از حمله اعراب به ایران و به تازگی با از بین رفتن حکومت عباسیان برای ایرانیان فراهم شده بود. شخصیت‌های مهم قشر مورد نظر همچون خاندان جوینی، خواجه نصیرالدین طوسی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، حمدالله مستوفی و امثالهم که در موقعیت‌های بالای حکومتی به دلیل نیاز مغولان قرار گرفته بودند با تمام وجود، گاهی آشکار و در بیشتر مواقع در لفافه و پنهان سعی کردند سلاطین ایلخانی را به فرهنگ ایرانی نزدیک و از فرهنگ مغولی دور نمایند. این امر را حتی در حوزه سیاست نیز با ذکر داستان‌هایی چون بهرام چوبین به سلاطین ایلخانی گوشزد نمودند که می‌توان با رعایت جانب حق و عدل و احتراز از رفتار ناشایست مانع از شورش زبردستان، رجال سیاسی و نظامی شد.<sup>۴</sup>

واقعیت این است که ایرانیان به دلیل برخورداری از افکار و اندیشه‌های زندگی شهری، دیدگاهی چون دیدگاه مغولان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان قائل نبودند و از طرفی هم حاضر نبودند این فرصت مغتنم پیش آمده در دستگاه سیاسی مغولان را با زنان مغولی تقسیم بکنند، به همین دلیل اولین تقابل‌های دو طرف در آن دوره به سرعت خودنمایی نمود. در این تقابل‌های فکری و عملی بود که به تدریج قدرت و جایگاه زنان مغولی تغییر پیدا کرد. در واقع هر چه نقش وزیران و نخبگان ایرانی در جایگاه‌های مهم سیاسی پررنگتر و هر اندازه نفوذ آنها در سلاطین ایلخانی بیشتر و نیز به هر میزانی که سعی آنها در نزدیک کردن سلاطین ایلخانی به فرهنگ ایرانی و اسلامی مؤثرتر می‌گردید به

۱. اشیولر، *تاریخ مغول در ایران*، ص ۳۹۵.

۲. لمبتن، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ص ۳۱۵.

۳. گابریل، *مارکوپولو در ایران*، ص ۱۰۱.

۴. محمدی و آدینه‌وند، «تبیین علل و روند بازتاب شخصیت بهرام چوبین در تاریخ‌نگاری ایلخانان»، *دوفصلنامه ایران بعد از اسلام*، ش ۱۶، ص ۱۸۳.



همان اندازه جایگاه زنان مغولی هم دچار تنزل و از نقش آنان کاسته می‌شد. این امر در دوران غازان خان به اوج خود می‌رسد. با بررسی آثار نخبگان مذکور می‌توان به عمق اندیشه‌های آنها به‌ویژه در خصوص زنان پی برد. از جمله این سیاست‌مداران، رشیدالدین فضل‌الله بود که نظر مثبتی درباره زنان نداشت و «قربت ایشان (زنان) را محل وفا و مقل»<sup>۱</sup> نمی‌دانست و نفوذ سیاسی و اجتماعی خود را در برابر خان مغولی با کسی تقسیم نمی‌کردند. در این بین نگاه این اندیشمندان بر زن و جایگاه او بر عملکردشان و تأثیر بر غازان خان و اصلاحات او انکارناپذیر می‌نمود.

اگرچه غازان کماکان با فرهنگ مغولی برخورد مناسبی با زنان داشت اما او گام مشخصی را برای تبدیل حکومت ایلخانی به یک پادشاهی ملی ایرانی برداشت که در آن طبقه حاکمه مغول سرانجام در توده مسلمان فارسی زبان مستحیل شدند.<sup>۲</sup> در واقع مبارزات دوگروه متخاصم عنصر مغولی و ایرانی<sup>۳</sup> در زمان غازان خان با پیروزی عنصر ایرانی به پایان رسید. در همین رابطه اصلاحات جدیدی شکل گرفت که میان یاسای مغول با شریعت اسلام هماهنگی برقرار شد.<sup>۴</sup> در واقع پس از دوران غازان یک رویه تغییر نظام فرهنگی، دینی و اجتماعی را در سیطره مغولان رخ داد که به ایرانی شدن مغولان می‌انجامد.

## غازان خان

غازان خان یکی از بزرگترین ایلخانان مغول است که در تاریخ ایران آن دوره نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. او در زمانی به حکومت رسید که حکومت ایلخانان در شرایط خاصی قرار داشت. جنگ‌های داخلی پس از مرگ ارغون، گیخاتو و باتو تازه به پایان رسیده بود<sup>۵</sup> و خزانه خالی بود.<sup>۶</sup> در اطراف کشور لشکرکشی‌هایی در جریان بود.<sup>۷</sup> این شرایط غازان خان را وادار به تصمیم‌گیری‌های بزرگی کرد و در این تصمیم‌گیری‌ها از دیوانسالاران ایرانی بسیار بهره برد. غازان خان برای رهایی از مشکلات موجود در نظام مغولی به اصلاحاتی دست زد که ایرانیان نقش گسترده‌ای در آن داشتند. اصلاحات او به میزان زیادی جواب داد و باعث حل بسیاری از مشکلات و نیز برقراری نظم و عدالت اجتماعی گردید. شبانکاره‌ای در توصیف عدالت او و وضع جاری آن دوره چنین می‌نویسد:

۱. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۸۸.

۲. ساندرز، *تاریخ فتوحات مغول*، ص ۱۳۷.

۳. بیانی، *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، ص ۲۰۸.

۴. ساندرز، *تاریخ فتوحات مغول*، ص ۱۳۵.

۵. اشپولر، *تاریخ مغول در ایران*، ص ۹۶.

۶. شبانکاره‌ای، *مجمع‌الانساب*، ص ۲۶۸.

۷. آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۲۲۷.

اگر العیاذ بالله اسبی از آن امیر تومان در زرعی شدی و یک نیمه داخل زرع و یک نیمه خارج بودی به حکم یاسای او آن نیمه که داخل بودی به صاحب ملک دادندی و خود که را در ایام دولت او یارای آن بودی که نام «ظ» ظلم و «ت» تعدی بریدی؟<sup>۱</sup>

برخی از محققان نیز از قدرت و اراده آهنین، استعداد حکمرانی و فرمانروایی، ذوق لطیف و بسیار عالی فرهنگی او سخن گفته‌اند.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد همین ویژگی‌ها بود که او را در میان افراد نظامی و کشوری به جایگاه والایی رسانده بود. ملک ناصر (سلطان ممالیک مصر) که بعد از شکست دادن سپاه غازان خان و به اسارت گرفتن تیتاق بهادر (از فرماندهان غازان) از او پرسیده بود: غازان خان هر سال از اقطاع و جامگی به تو چه می‌دهد که چنین جان سپاری می‌نمایی؟ ایشان در پاسخ چنین گفته بود:

مغول، خان خود را بنده‌ای است که هرگز آزاد نشود و نیز آزادی نطلبد. اگر باشد بنده است و اگر نباشد باز همان بنده است اما من کمتر بنده‌ام و هیچ کم نداشته‌ام.<sup>۳</sup>

### اصلاحات مذهبی در امور زنان

دین در دربار مغولی علی‌رغم تسامح مغولان به ابزاری برای کاهش یا افزایش نقش قشری از جامعه مورد توجه و اهمیت قرار داشت. در هر دوره‌ای از حکومت خان‌های مغولی یکی از ادیان نقش مهمتری را ایفا می‌کردند و باتوجه به نقش زنان در این نظام، ادیان مورد پذیرش این زنان از اهمیت خاصی برخوردار می‌شد.

### جایگاه زنان قبل از اصلاحات مذهبی غازان

ایلخانان در دوران حکومتشان در ایران رفتار مذهبی متفاوتی از خود بروز می‌دادند. زمان ورود هلاکو به ایران، او با جامعه‌ای روبرو شد که در آن اکثریت مسلمان بودند. اشپولر معتقد است هلاکو نخست به علل مذهبی به اسلام تمایل نداشت، بعداً به علل سیاسی نیز بی‌میلش تشدید شد و در این زمینه همسرش دقوز خاتون بی‌تأثیر نبود.<sup>۴</sup> در منابع تاریخی این زمان نقش قابل توجه این زن در امور سیاسی، مذهبی و اجتماعی مشهود است و این نشان از قدرت زنان این دوره دارد. تا جایی که دربار مغولان در زمان هلاکو در ایران گرایشات بیشتری به مسیحیان داشت. اما باید گفت این امر از تسامح دینی مغولان سرچشمه می‌گرفت و در

۱. شبانکاره‌ای، *مجمع الانساب*، ص ۲۶۸.

۲. بارکها وزن، *امپراتوری زرد چنگیز خان و فرزندانش*، ص ۲۳۰.

۳. آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۴۳.

۴. اشپولر، *تاریخ مغول در ایران*، ص ۷۱.

آینده با قدرت روزافزونی که زنان از زمان زندگی عشیره‌ای از آن برخوردار بودند، تلفیق گردیده و چنین شرایطی را برای حکومت هلاکو ایجاد نمود. همان تسامح مذهبی که ایرانیان را در پیروی از دینشان، اسلام آزاد می‌گذاشت. در واقع در ابتدای حکومت مغولان در ایران به این علت که ایرانیان در مقابل زنان مغولان از قدرت چندانی برخوردار نبودند، در گسترش دینشان هم در بدنه حکومت توانایی نداشتند.

تسامح مذهبی مغولان در دوره هر پادشاهی موجبات آزادی دینی گروهی از ادیان را فراهم می‌ساخت. در اوایل دوران ایلخانان این آزادی مذهبی در دوران هلاکو با مسیحیان<sup>۱</sup> و در دوران اباقا و ارغون با بوداییان و مسیحیان<sup>۲</sup> بود که البته در این امر زنان نقش مهمی داشتند و به نوعی مردان دنباله‌روی زنان خود بودند. تا این زمان اسلام چندان جایگاهی نداشت اما به تدریج از زمان گیخاتو یک آزادی و موازنه‌ای بین مسیحیان و مسیحیت از یکسو و اسلام و مسلمانان از سوی دیگر رخ می‌نماید.<sup>۳</sup> و رفته‌رفته حضور مسلمانان به‌ویژه ایرانیان مسلمان (خصوصاً مذهب حنفی) پررنگ‌تر می‌شود. با ورود سیاست‌مداران ایرانی به تدریج از حضور زنان کاسته شده و بالاخره در دوران غازان خان اسلام به‌عنوان دین رسمی پذیرفته می‌شود.

### جایگاه زنان بعد از اصلاحات غازان

غازان خان کودکی خود را در میان بخشیان به خواست پدر بزرگش اباقا خان گذراند. رشیدالدین می‌گوید: برای تعلیم و تحریض او بر اقتباس طریقه ایشان مبالغت تمام می‌نمودند.<sup>۴</sup> اما به اعتقاد ایشان، غازان از دوران کودکی تمایل به یکتاپرستی داشت «از صغر سن به‌هیچ‌وجه میل مبارکش به عبادت اوئان نمی‌کشید و پیوسته خواهان آن بود که به کلمه توحید بگردد».<sup>۵</sup> در منابع این دوران تلاش شده است که اسلام او را از روی خلوص نیت و صفای باطن جلوه دهند.<sup>۶</sup> گفته شده، اولین فرمان غازان بعد از سلطنت الزام مغولان به قبول اسلام بود.<sup>۷</sup> همچنین بر خلاف دوران ایلخانان اولیه، نه تنها در انتخاب مذهب او زنان هیچ نقشی نداشتند بلکه از جمله اولین زنی که به مذهب او گروید همسرش بولغان خاتون بود.<sup>۸</sup>

۱. ساندرز، *تاریخ فتوحات مغول*، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۳۰.

۳. همان، ص ۳۳.

۴. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۷۷.

۵. همان، ص ۱۲۱.

۶. همان، ص ۱۶۶.

۷. مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۶۰۳.

۸. شیرین بیانی، *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، ص ۲۱۳.

علی‌رغم اینکه نویسندگان این دوران معتقدند که او بسیار دیندار هم بوده است<sup>۱</sup> و از این نظر که در اسلام آوردن غازان‌خان و در سیاست‌های مذهبی شوهرش نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته است می‌توان این ادعا را مطرح کرد که دینداری او بیشتر تبعیت از همسرش بود. در این دوران شاهد گسستگی مشهود جایگاه مذهبی زنان در ابتدا و اواخر حکومت مغولی هستیم.

چنان‌که گفته شد در جامعه ایران پیش از دوره مغول بر خلاف جامعه مغولان، زنان در سیاست چندان دخالتی نداشتند. بعد از اصلاحات غازان‌خان و رویگردانی مغولان از فرهنگ گذشته موقعیتی برای ایرانیان پیش آمد که هر چه بیشتر دست زنان را از سیاست دور کنند. اولین نمود این امر، در امور مذهبی بود. در واقع خاتون ایلخان در این زمان برخلاف اسلافش در دوره چنگیزخان تا هلاکو، دیگر روشن‌کننده مسیر مذهبی حکومت نبود بلکه خود نیز دنباله‌روی ایلخانی بود که او هم دنباله‌روی وزیران و دیوانسالاران ایرانی و مغولان ایرانی شده قرار داشت. در واقع اسلام آوردن غازان‌خان منشاء و آغاز تمام اصلاحات وی بود. ابطال دین بت‌پرستی و تخریب معابد<sup>۲</sup> آن دین از اولین اصلاحات وی بود که پس از آن احکام مغولان در ایران به تدریج از میان رفت. اگرچه بر اثر اقدامات اسلامی غازان بدینی مردم نسبت به ایلخانان کاهش یافت<sup>۳</sup> اما کاهش نفوذ همه‌جانبه زنان را در دستگاه سیاسی این دوران به همراه داشت و در منابع مغولی نقش چندان از زنان درباری این دوران نسبت به دوران‌های خان‌های قبلی مغول شاهد نیستیم.

### اصلاحات اقتصادی در امور زنان

جایگاه اقتصاد در نفوذ و قدرت انکار ناپذیر است. در هر جامعه‌ای چرخش چرخ اقتصاد، تعیین‌کننده جایگاه انسان‌های آن جامعه است. در جوامعی که مردان این چرخ را به گردش در آورند (چون جوامع شهری) این قدرت از آن مردان و در جوامعی که زنان این چرخ را می‌چرخانند (چون جوامع عشیره‌ای) این جایگاه از آن زنان است. در این جوامع معمولاً زنان همپای مردان از جایگاهی در خور بهره‌مند می‌شوند.

### جایگاه اقتصادی زنان قبل از اصلاحات غازان‌خان

زنان مغولی از استقلال اقتصادی متفاوتی با دین اسلام برخوردار بودند. آنها از پدران ارث نمی‌بردند اما معمولاً جهیزیه را از خانه پدرانشان می‌آوردند و بنا به وسع پدر و شهرت قبیله این جهیزیه معمولاً متفاوت بود. در واقع دختران با ازدواج از همه منافع موجود در قبیله پدر محروم می‌شدند و به عکس با

۱. القاشانی، *تاریخ الجایتو*، ص ۸۹.

۲. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۱۸۸.

۳. قییم و معرفون، «جلوه‌های اسلامی در اصلاحات غازانی»، *رهیافت تاریخی*، ش ۱۳، ص ۵۴.

وارد شدن به قبیله شوهر از تمام مزایای قبیله جدید برخوردار می‌شدند.<sup>۱</sup>  
زنان در مورد حقوق مادی و تملک ثروت و املاک می‌توانستند با مردان برابری کنند.<sup>۲</sup> آنها پس از مرگ شوهرانشان مالک املاک شوهر،<sup>۳</sup> و در واقع از تمام حقوق یک مرد در خانواده برخوردار بودند. می‌توان این مسئله را ناشی از زندگی قبیله‌ای مغولان دانست. بعدها این جایگاه اقتصادی، جایگاه مالی درخوری را برای زنان مغولی درباری به دست آنها داد.

زمانی که چنگیز خان حملات خود را به سرزمین‌های اطراف آغاز کرد زنان باز هم در تقسیم غنائم و تیول و ... جایگاه بالایی نسبت به دیگر جوامع مغلوب داشتند، تا جایی که زنان به جایگاه همسر خود می‌رسیدند.<sup>۴</sup> متداول بود قسمتی از غنائم جنگی به زنان داده می‌شد<sup>۵</sup> و در زمان صلح می‌بایست هدایای نقدی جایگزین غنائم جنگی شود. ارغون و گیخاتو این هدایا را چنان افزایش داده بودند که غازان مجبور به تغییراتی در آن شد.<sup>۶</sup> خاتون‌ها از اقطاع هم بهره‌مند می‌شدند.<sup>۷</sup> و برای خودشان اردوی جداگانه،<sup>۸</sup> خیمه اختصاصی و البته خزانه مخصوص<sup>۹</sup> داشتند که بعد از اصلاحات غازان خان تغییراتی در نحوه استفاده از آن ایجاد شد. زنان مذکور همان‌طور که فرماندهی سپاه را به عهده می‌گرفتند از تیول هم بهره‌مند می‌شدند.<sup>۱۰</sup> البته در مواردی هم بوده است که در شرایط خاص، پادشاه اموالی را از زنان گرفته است.<sup>۱۱</sup> اما این امر بسیار محدود بوده و در استقلال مالی زنان خدشه‌ای وارد نمی‌کرده است.

پس از مرگ آنها هم، ارث از یک خاتون به خاتونی دیگر می‌رسید.<sup>۱۲</sup> البته گاهی از آن یک پادشاه یا فرد دیگری می‌شد. مثلاً بعد از بولغان خاتون، به موجب دستور اباقا این اموال را به غازان داد.<sup>۱۳</sup> اما این امر استثنا بود و در بیشتر موارد تا قبل از غازان خان این اموال به خاتون‌های دیگر می‌رسید. برای مثال

۱. همدانی، جامع التواریخ، ص ۱۰.
۲. همان.
۳. تسف، نظام اجتماعی مغول، ص ۹۳.
۴. قزوینی، لب التواریخ، ص ۲۳۰.
۵. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۳۰۳.
۶. اشیپولر، تاریخ مغول در ایران، ص ۳۹۵.
۷. ابن فوطی، الحوادث الجاهمه، ص ۲۲۴.
۸. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ص ۱۲۱.
۹. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۳۳۱.
۱۰. تسف، نظام اجتماعی مغول، ص ۹۳.
۱۱. بناکتی، تاریخ بناکتی، ص ۳۸۸.
۱۲. همان، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.
۱۳. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۱۲.

اباقتا اردوی دوقوز خاتون را به برادرزاده‌اش توقینی خاتون داد.<sup>۱</sup> این قانون قدرت زنان را بیشتر می‌کرد و ثروت در دستان زنان باقی می‌ماند و استقلال آنها را تضمین می‌کرد. در دوران ارغون اولین اقدامات در زمینه کاهش نفوذ زنان با واگذاری دو شغل عمده امور سپاه و احوال خاتون‌ها به فردی چون بوقا که وزیر ارغون بود، آغاز شد.<sup>۲</sup> و این امر قدرت سیاسی و اقتصادی زنان را کاهش داد.

### جایگاه اقتصادی زنان بعد از اصلاحات غازان

با اجرای اصلاحات در دوران غازان‌خان، استقلال اقتصادی زنان با رشد فرهنگ شهرنشینی و ایرانی و جدایی از فرهنگ عشیرتی مغولان تغییر کرد. در دوران غازان‌خان و خصوصاً پس از اسلام آوردن او امور لشکری به دست امیر نوروز<sup>۳</sup> و امور کشوری هم به افرادی چون رشیدالدین و مانند او سپرده شد. امیر نوروز یک سردار مغولی بود که در فرهنگ ایرانی اسلامی مستحیل شده بود و رشیدالدین و دیگران هم به مراتب بیشتر از ایشان در فکر ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی بودند. در این شرایط بود که به تدریج فرهنگ مغولی تحت الشعاع فرهنگی ایرانی قرار گرفت.

از جمله اصلاحات غازان در حوزه اقتصادی قانونی بود که در مورد املاک زنان وضع شد. در گذشته از املاک سلطنتی بخشی به زنان واگذار می‌شد<sup>۴</sup> تا عواید سالانه و ماهانه در خزانه ایشان گرد آید و خرج دربار و دستگاه آنها را تأمین نماید،<sup>۵</sup> چنان‌که یک وزیر هم برای نظارت بر امور آن قرار داده می‌شد.<sup>۶</sup> البته خود غازان‌خان در هر کجا نیاز مالی وجود داشت از این صندوق پول برداشت می‌کرد، چنان‌که در یکی از جنگ‌ها مبلغ یک میلیون دینار برای سپاه خود از این صندوق برداشت کرد.<sup>۷</sup> گاهی هم که یکی از بزرگان و فرماندهان طبق سنت مغولی به یاسا می‌رسید اموال او به خاتون‌ها می‌رسید. این اموال گاه به صورت جنس<sup>۸</sup> و یا به صورت نیروی انسانی<sup>۹</sup> بود. بنابراین زنان درباری در این دوره با استفاده از این

۱. همو، *جامع التواریخ*، ص ۹۶۳.

۲. همان، ص ۷۸ و ۷۷-۷۸.

۳. آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۶۱.

۴. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۵۶۶.

۵. بیانی، *زن در ایران عصر مغول*، ص ۹۵.

۶. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۷۵.

۷. همان، ص ۳۲۲ و ۳۱۳.

۸. همان، ص ۸۶.

۹. همان، ص ۱۱۱.

ثروت دارای تشکیلات و دربار شده و حتی وزیر نیز داشتند. اما در دوران غازان به مرور دست زنان از خزانه اردویشان کوتاه گردیده و تا حدودی استقلال خود را در بهره‌مندی از آن از دست دادند. از دیگر اصلاحات غازان خان در زمینه اقتصادی تغییراتی در میزان مهریه بود که مقدار مهریه را ۱۹/۵ دینار مشخص کرد و این مبلغ غیرقابل تغییر و برای همه زنان قابل اجرا بود.<sup>۱</sup> این امر به زبان زنان بود. به اعتقاد اسپولر مبلغ مذکور فقط برای مخارج آنها کافی بود.<sup>۲</sup> رشیدالدین فضل الله دلیل این کار را چنین توصیف می‌نماید:

وقتی زنی به کاوین گران خواسته باشد هیچ آفریده‌ای از بیم مال گران طلاق، زن نیارد گفت و هر چند ناموافق و نابسامان باشد سازگاری باید کرد و این معنی خلاف مشروع و معقول باشد. ... و مردم را نیز فرزندان باشند و مؤنث ایشان بر پدران بود و به هر وقت ایشان را قلان باید کشید و بعضی را به چریک باید رفت و چون مال پدران به کاوین زن مستهلک گردد و چه پرورش فرزندان و مایحتاج قلان و کار ایشان از کجا باشد؟<sup>۳</sup>

استفاده از دو واژه مشروع و معقول در ادبیات رشیدالدین فضل الله، نشان می‌دهد که برداشت‌های ایشان تلفیقی از شرع و عقل و محیط زندگی او به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در عملکرد او بوده‌اند. البته این قانون در زمان ایلخانان بعد استمرار پیدا نکرد. در سال ۷۰۴ ق زمانی که اولجایتو با بولغان خاتون ازدواج کرد مهر او را هزار و نهصد دینار (تسعمائه الف دینار)<sup>۴</sup> تعیین کرد.

همچنین از اصلاحات اقتصادی غازان خان در حوزه زنان، تغییراتی بود که در ارث زنان ایجاد نمود. از جمله مواردی که بعد از اسلام آوردن غازان، طبق موازین شرع اسلام به آن عمل شد ارث بردن دختر از پدرش بود،<sup>۵</sup> به طوری که پیشتر هم اشاره شد این رسم یعنی محروم بودن دختران از ارث پدر قبل از اسلام آوردن مغولان در بین آنها مرسوم بود.<sup>۶</sup>

تغییر مهم دیگر در خصوص ارث این بود که تا قبل از غازان در بین مغولان رسم بر این بود که ارث از یک خاتون به خاتون دیگر می‌رسید اما در دوره غازان این رسم تغییر کرد یعنی از خاتونان به

۱. همان، ص ۲۹۲.

۲. اسپولر، *تاریخ مغول در ایران*، ص ۳۸۷.

۳. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۴. همان، ص ۳۲۴.

۵. القاشانی، *تاریخ الجایتو*، ص ۴۴.

۶. شیرین بیانی، *زن در ایران عصر مغول*، ص ۵۳.

۷. همدانی، *جامع التواریخ*، ص ۱۰.

پسرانشان و اگر پسر نداشتند به پسران همسران دیگر خان می‌رسید.<sup>۱</sup> در واقع این قانون قدرت اقتصادی را از خاتون‌ها به فرزندان ذکور آنها انتقال می‌داد.

نتیجه‌ای که از تغییر دو قانون پیش‌گفته یعنی مهریه و ارث در دوره غازان می‌توان گرفت این است که با اجرای آنها ضربه مهمی به اقتصاد زنان وارد گردید که قابل جبران نبود، چراکه قبلاً زنان درباری از طرق مختلف به جمع‌آوری ثروت می‌پرداختند و بالتبع آن ثروت باعث قدرت و نفوذ آنها نیز می‌گردید اما اکنون با محرومیت از آن ثروت تا حدودی قدرت خود را از دست داده بودند. همچنین اقطاع هم که تحت نظر وزیر بود و زنان در استفاده از آن آزاد نبودند. بنابراین اصلاحاتی که غازان در حوزه اقتصادی برای زنان انجام داد قدرت آنان را در همه زمینه‌ها کاهش داد.

### اصلاحات اجتماعی در امور زنان

یکی از اصلاحات غازان خان که در ارتباط با زنان در جامعه مغولی انجام شد، اصلاحات اجتماعی بود. این اصلاحات برخلاف دیگر اصلاحات در حقوق زنان، جایگاه عامه زنان را بهبود بخشید و برخلاف اصلاحات اقتصادی، امنیت اجتماعی بیشتری را برای زنان به ارمغان آورد.

### جایگاه اجتماعی زنان قبل از اصلاحات غازان

همان‌طور که گفته شد جایگاه مناسب زنان در حکومت مغولی از موقعیت اقتصادی و اجتماعی آنان در جامعه قبیله‌ای پیش از حملات سرچشمه می‌گرفت و پس از حمله چنگیز خان نیز کماکان ادامه داشت. همچنین در دوره ایلخانانی چون هلاکو، اباقا و احمد تگودار نیز زنان از نفوذ سیاسی و اجتماعی بالایی برخوردار بودند. اما به تدریج این نفوذ در زمان ارغون به بعد خصوصاً با حضور وزرای چون بوقا کاهش یافت. منابع تاریخی که در این دوران نوشته شده‌اند هم چندان احترام و اهمیت منابع سابق را برای زنان قائل نبودند.<sup>۲</sup> بر طبق قوانین یاسا، مغولان در جنگ‌ها نمی‌توانستند به زنان و دختران دست درازی کنند اما در دوران کاهش نفوذ زنان میبیینیم که زینت از دست و پای زنان درجه اول دربار ایلخانی باز می‌شود.<sup>۳</sup>

### جایگاه اجتماعی زنان در دوران مغول بعد از اصلاحات غازان

اما مسئله مهم در این دوران این است که ایلخانان مغولی هنوز در ضمیرشان احترام به زن وجود داشت. این احترام در وجودشان از پدرانشان نهادینه شده بود. ارغون علی‌رغم حضور بوقا، هنوز در مسائل مهم با

۱. همو، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۳۳۱.

۲. آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۶۱ و ۷۸ - ۷۷؛ همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۸۸.

۳. آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۷۹.



بولغان خاتون مشورت می‌کرد.<sup>۱</sup> غازان در اصلاحات اجتماعی خود این احترام و بزرگداشت را لحاظ کرد. در منابع این دوران گزارشی از بی‌احترامی وی به زنان را شاهد نیستیم. او هیچ‌گاه به زنان اسیری که برای او می‌آوردند دست درازی نمی‌کرد<sup>۲</sup> و هر کجا می‌رفت همراه لشکر خاتون‌ها هم همراه وی بودند و معمولاً آنها را چند منزلی عقب‌تر از منطقه جنگی می‌گذاشت و خود ادامه می‌داد.<sup>۳</sup> و این نشان از بیدار بودن سنت‌های مغولی در وجود او دارد. یکی از همسران وی کرمون خاتون بود که فوت او باعث گریه زیاد ایلخان شد.<sup>۴</sup> این زن وارث اردوی بزرگ دوقوز خاتون بود. همسر دیگر وی که کواچین نام داشت و شاهزاده مغولی بود که همراه مارکوپولو و همراهانش به ایران آمد<sup>۵</sup> و از زنان عقدی و سوگلی وی بود.<sup>۶</sup> بعد از به حکومت رسیدن غازان خان و شروع اصلاحات وی، زنان از جایگاه اجتماعی بهتری برخوردار شدند. او قانونی وضع کرد که از بی‌احترامی و ظلم به زنان (حتی زنان اسیر و فاحشه که در خرابات مورد تجاوز قرار می‌گرفتند) جلوگیری کرد و از ادامه کار روسپی خانه‌ها نیز جلوگیری کرد.<sup>۸</sup> می‌توان ریشه این اصلاح غازان خان را در سنت مغولان و از طرف دیگر توجه اسلام به امنیت اجتماعی زنان دانست، زیرا بر طبق قوانین یاسا مغولان در جنگ‌ها نمی‌توانستند به زنان و دختران دست درازی کنند و این نشان از باقی ماندن احترام زنان در نزد ایلخان مغول دارد و همین طور اسلام که مردان را از دست درازی به زنان در حین جنگ و غیره منع می‌کند.

پس از این، زنان در مسائل مهم سیاسی چندان دخالتی نداشتند و بیشتر فعالیت‌های آنان صرف امور اجتماعی چون «معاشرت با مشایخ و علما و تقسیم نذور و صدقات بین مستمندان»<sup>۹</sup> می‌شد. زنان تحت تأثیر فرهنگ ایرانی و اسلامی بیشتر وقت خود را برای فعالیت‌های اجتماعی از قبیل ساخت بناهایی چون مقبره قیدار نبی و شهری در منار شهر بغداد که تولید آن به دست خواجه رشیدالدین بود هم از آثار زنان این دوره است،<sup>۱۰</sup> قرار می‌دادند.

۱. همان، ص ۷۸.

۲. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۱۷۵.

۳. همان، ص ۱۴۵ و ص ۱۴۴؛ میرخواند، *روضه الصفا*، ص ۴۲۵۴.

۴. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۱۵۶.

۵. گابریل، *مارکوپولو در ایران*، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۶. همان، ص ۱۵۷.

۷. آیتی، *تحریر تاریخ وصاف*، ص ۷۹.

۸. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۳۵۹.

۹. القاشانی، *تاریخ الجایتو*، ص ۸۹.

۱۰. همان، ص ۸۲.

## نتیجه

مهاجمان مغولی جدا از ویرانی‌های گسترده و غیرقابل‌انکاری که در ایران ایجاد کردند اما تأثیرات مفیدی را هم برای آن به همراه داشتند. یکی از این تأثیرات نگاه متفاوت آنها به زنان است. در میان مغولان زنان از دوره زندگی عشیره ایشان تا زندگی در سرزمین‌های مغلوب از جایگاه بالایی برخوردار بودند. این جایگاه که نشأت گرفته از زندگی عشیره‌ای آنها بود، تا اواخر حکومت ایلخانی به صورت نهادینه در وجود ایلخان باقی بود اما به دلیل ضعف مغولان در کشورداری مجبور بودند از نخبگان سرزمین‌های مغلوب استفاده کنند. این امر آنها را مجبور می‌کرد در شرایط مختلف حتی از فرهنگ خود دور شوند. ایلخانان مغول به زودی مجبور شدند ویژگی‌ها و خصلت‌های عشیره‌ای و بیابان‌گردی خود را ترک کنند و برای پیشبرد اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود در جامعه مغلوب مستحیل شوند. مغولان در جریان زندگی شهرنشینی و ایرانی‌زمان خود دیگر نیازی به زنان کوشا و فعال عشره‌ای خود نداشتند و نیازشان را به سیاستمداران قهار ایرانی هر روز بیش از پیش احساس می‌کردند.

غازان‌خان از جمله سلاطین ایلخانی بود که برای حفظ حکومت خود دو امر را مورد توجه جدی قرار داد؛ نخست دین اسلام و دوم بهره‌مندی از سیاستمداران ایرانی. او از این طریق سعی کرد تا برای حکومت خود استقلالی از مغولستان فراهم کند و در درون جامعه ایران هم به موفقیت برسد. او با پذیرش دین اسلام مقبولیت لازم را در جامعه ایران و البته میان سیاستمداران ایرانی پیدا کرد و با اتکاء به آنها توانست حکومت و سرزمین زیر سلطه خویش را از مغولستان مستقل کند و به نحو احسن اداره نماید.

غازان‌خان برای ایجاد جامعه‌ای بهتر، اصلاحاتی را در جامعه انجام داد که می‌توان آن را متأثر از چند عامل مهم دانست. اولین عامل فرهنگ مغولی بود. غازان‌خان بعنوان یک مغول اصیل، میراث‌دار یاساها و سنت‌های باقی مانده از چنگیزخان بود که هنوز هم در بین مغولان حاضر در ایران داری ارج و قربی بود. عامل دوم فرهنگ ایرانی بود. غازان‌خان با زندگی در جامعه ایران تحت‌تأثیر فرهنگ آن منطقه قرار گرفت و باتوجه‌به مشکلات پیش رو و همین‌طور نیاز به سیاستمداران ایرانی نهایتاً به استحاله در فرهنگ ایرانی انجامید. عامل سوم دین اسلام بود که او با قبول و آشنایی با آن دین، بشدت تحت‌تأثیر اسلام قرار گرفت. این سه عامل تأثیرات انکارناپذیری در حکومت‌داری غازان و اصلاحات او و خصوصاً اصلاحات او درباره زنان داشت.

در اصلاحاتی که در حوزه زنان انجام داد علی‌رغم آنچه خود او براساس فرهنگ مغولی ذاتی خود برای زنان عمل می‌کرد اما بیشتر تحت‌تأثیر فرهنگ ایرانی اسلامی (از نوع حنفی) بود تا فرهنگ مغولی. درواقع اصلاحات غازان‌خان در باره زنان بیشتر اصلاحات سیاستمداران ایرانی بود که به‌دست غازان‌خان

انجام می‌شد که نگاه آنها به زنان در طول تاریخ از باستان تا زمان مغولان فراز و نشیب زیادی یافته بود و نهایتاً باعث کاهش نفوذ و جایگاه زنان مغولی در جامعه ایرانی - ایلخانی گردید و نهایتاً با کاهش نقش سیاسی زنان در این دوره به افزایش نقش اجتماعی آنها منجر گردید.

اگرچه اصلاحات غازان در بخش اجتماعی امنیت زنان را فراهم کرد اما در حوزه اقتصادی و مذهبی باعث کاهش نفوذ سیاسی آنان شد. در واقع همان نفوذی که در جامعه عشیره‌ای مغولان باعث نفوذ سیاسی زنان در حکومت‌های بزرگ مغولی شده بود در ایران با تحلیل در فرهنگ ایرانی از بین رفت و این امر جایگاه آنها را از بین برد و در نهایت کاهش نفوذ مذهبی و اقتصادی زنان در اثر اصلاحات غازان به کاهش نفوذ سیاسی آنها منجر شد.

### منابع و مأخذ

*اوستا*، یسنه، هات.

۱. آیتی، عبدالمحمد، *تحریر تاریخ و صاف*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۲. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *سفرنامه ابن بطوطه*، محمد علی موحد، تهران، سپهر نقش، ۱۳۷۶.
۳. ابن فوطی، عبد الرزاق بن احمد، *الحوادث الجاهله*، عبدالمحمد آیتی، تهران، آثار مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
۴. اشلولر، بر تولد، *تاریخ مغول در ایران*، محمود میر آفتاب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.
۵. بارکها وزن، یواخیم، *امپراتوری زرد چنگیز خان و فرزندانش*، اردشیر نیکپور، تهران، زوار، ۱۳۴۶.
۶. بخشی، منصوره و دیگران، «جایگاه زن در نظام اجتماعی و خانواده از نگاه فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر»، *حکمت سینوی*، سال ۲۲، ش ۵۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۷. بناکتی، محمد، *تاریخ بناکتی*، جعفر شعار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۸.
۸. بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن)، *زن در ایران عصر مغول*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۹. بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن)، *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
۱۰. تسف، ولادیمیر، *نظام اجتماعی مغول*، شیرین بیانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۱۱. چائو پی شه، یوان، *تاریخ سری مغولان*، شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
۱۲. حیدری بابا کمال، یداله و دیگران، «بررسی و مطالعه جایگاه زنان و خاتون‌ها در عصر مغول با استناد به شواهد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، ش ۴، ص ۵۹ - ۳۹، زمستان ۱۳۹۱.
۱۳. دلیر، نیره، «مشارکت اجتماعی زنان در سیره پیامبر و مقایسه آن با قرائت غزالی در احیاء علوم‌الدین»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال پنجم، ش ۱۹، زمستان ۱۳۹۲.

۱۴. رضی، هاشم، *زروان در قلمرو دین و اساطیر*، تهران، فروهر، ۱۳۵۹.
۱۵. ژینیو، فیلیپ، *اردویر افنامه*، رشید یاسمی، ژاله آموزگار، تهران، معین، ۱۳۹۴.
۱۶. ساندرز، جان جوزف، *تاریخ فتوحات مغول*، ابولقاسم حالت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۱۷. سن، کریستین، *ایران در زمان ساسانیان*، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۵.
۱۸. شبانکاره‌ای، محمد بن علی، *مجمع الانساب*، میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۶۸.
۲۰. طوسی، خواجه نصیر، *اخلاق ناصری*، تهران، علمیه اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. غزالی، محمد، *نصيحة الملوك*، جلال‌الدین همایی، تهران، مجلس، ۱۳۱۷.
۲۲. فارابی، محمد بن محمد، *احصاء العلوم*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۲۳. القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، *تاریخ الجایتو*، مهین مهلبی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
۲۴. قزوینی، یحیی بن عبدالطیف، *لب التوازیخ*، بی‌جا، بنیاد و گویا، ۱۳۶۳.
۲۵. قیم، بهادر و زینب معرفون، «جلوه‌های اسلامی در اصلاحات غازانی»، *رهیافت تاریخی*، دانشگاه اصفهان، سال چهارم، ش ۱۳، زمستان ۱۳۹۴.
۲۶. گابریل، آلفونس، *مارکوپولو در ایران*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
۲۷. لمبتن، آن، *نداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، یعقوب آژند، تهران، مانی، ۱۳۹۶.
۲۸. محمدپور، زینب، *تأثیر متقابل جوامع ایرانی و مغولی بر وضعیت زنان در ایران عصر مغول*، تهران، دانشگاه الزهراء، مرداد ۱۳۸۹.
۲۹. محمدی، ذکراالله و مسعود آدینه‌وند، «تبیین علل و روند بازتاب شخصیت بهرام چوبین در تاریخ‌نگاری ایلخانان»، *دوفصلنامه ایران بعد از اسلام*، سال نهم، ش ۱۶، ص ۱۸۳ - ۲۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۳۰. مستوفی، حمداله، *تاریخ گزیده*، عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۳۱. ملک‌زاده، الهام، «وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مغول و ایلخانی»، *مسکویه*، پیش ش ۴، ص ۲۰۷ - ۱۶۷، پاییز ۱۳۸۵.
۳۲. مورگان دیوید، *مغولها*، عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۳۳. میرخواند، محمد بن خاوند شاه، *روضه الصفا*، جمشید کیان، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
۳۴. هرودوت، *تاریخ هرودوت*، غ. وحید مازندرانی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۳۵. همدانی، رشید‌الدین فضل‌الله، *تاریخ مبارک غازانی*، کارل یان، آبادان، پرسش، ۱۳۸۸.
۳۶. همدانی، رشید‌الدین فضل‌الله، *جامع التوازیخ*، محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳.